

# هَذَا كِتَابٌ أَحْسَنُ أَرْقَانِ الْفَائِضِ الْعَلِيِّ عَلَيْهِ

## سَلَامُ اللَّهِ الرَّخِيمِ الْخَيْرِ الْجِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ مَا بَعْدَ ذَلِكَ خَيْرٌ كَوَيْلَ الْحَصْرِ عَلَيْهِ  
الْعَيْشُ مُحَمَّدًا بِفِرْعَوْنَ مَخْتَلِفِي عَمِّي أَتَى عَجْرًا لَهَا كَرَاهِيَةٌ بِنَا لِهَيْبِ دَرِيَانِ أَيْمَرُ إِذَا حَدِيثٌ مَعْبُورٌ هُنَا  
وَسَاكٌ مَعْلُومٌ مَثُورٌ أَسْعَادٌ وَنَحْوُهُ أَيْامٌ هَفْنَةٌ وَمَاهٌ وَرُوزٌ وَسَاءُ بَرَضٌ وَنَهَائٌ كَمَا أَزَكَيْتَ عَلِيًّا  
سَلَفٌ شَرِيحٌ شَدِيدٌ أَرَجِبُهُ بَعْضُ أَهْلَانَا مُوَافِقٌ لِخِيَارِ أَوْسَرِ السُّنَنِ مَا مَنَابِعُ حُكْمِهَا أَوْلِيَّةٌ  
وَبِيْهَاتَانِ كِتَابٌ شَعَالٌ وَأَعْمَالٌ بِرُوحِهِ اخْتِصَامٌ قَوْمٌ مَبْكُورٌ دَنَا أَنْكَ جَمْعٌ مِنْ خَاصَرٍ مَبْأُزَكْرٍ وَجَمْعٌ  
أَمُورٌ مَبْأُ بَعِيْثُ وَأَيَانٌ دِينٌ رَالَا زَمٌ مَبْدَانٌ نَبِيٌّ بَابُ رِيْسَالَةٍ رَجُوعٌ نَمُودٌ بِاخْتِصَارَاتٍ سَاعَاتٍ نَجْمِيَّةٍ  
كَمَا بِجَمْعٍ مَذْمُومٌ أَسْتَحْبَلُجٌ بِنَا شَيْدٌ وَعَلَى اللَّهِ التَّوَكُّلُ هُوَ جَمْعٌ وَنَمُ الْوَكِيلُ فَصْلٌ أَوَّلٌ فِي إِخْتِصَارِ  
أَوَّلِ مَاهٍ مَبْدُودٌ جَلِيلٌ عَلِيٌّ طَائِفٌ وَغَيْرُهُ مِنْ أَيْمَرِ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
أَنْدَكٌ مَبْدُودٌ أَوَّلٌ طُورٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
وَإِخْلَافٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
قَوْمٌ بُولُودٌ رَابِعٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
رَادٌ رَابِعٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
زَيْدٌ عَلِيٌّ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
چَا أَزَادٌ رَابِعٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
عَنْكَوَتٌ أَمْرٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
كُنْدُودٌ رَابِعٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
مَشْرِفٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
رَسُولٌ أَوْ حَضْرٌ نُوْحٌ وَدَرَابِعٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ  
أَيْمَرٌ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ مَبْأُ

شد و در این روز اول پادشاهان دنیا است بروایت حضرت ابراهیم در این روز متولد شد و ختم  
 او را خلیل خود خوانده و بروایتی نیز فریج حضرت فاطمه در این روز واقع شد و حضرت آدم در این روز  
 مخلوق گردیده و روز مبارک است برای طلب حوائج و زن خواستنی و از برای رفتن نزد پادشاه و طلب  
 و سفر کردن و خریدن و فروختن چهار پانان و اگر حیوان یا بند در این روز گم شود تا هشت روز دیگر پیدا  
 آید و هر که در این روز بیمار شود شفا مییابد و هر فرزندی که در این روز متولد شود بخشنده و فراخ روزی  
 و با بخت باشد و این روز روز شادی و سرور است و برای حوائج و مطالب نزد امرا و سلاطین برود  
 سخن بگوید که بر آورده میشود و هر که در این روز گم شود بزود پیدا شود و بر همه کارها خیر و برای  
 کردن و در وقت نشاندن حجاریت بنا کردن و خریدن و فروختن حویلیت و از حضرت امام علی علیه السلام  
 نقل است که هر که در روز اول ماه دورکت نماز بکند روزی در رکعت اول الحمد بکند و انا انزلنا  
 بای خود پس فرمود که تصدق بکن و سلا متنا نماز از خدا بخواه و پنج شب اول ماه را بپوشد و بپوشد  
 کند و از آنجا خود حرکت نکند تا آنکه هفت مرتبه سوره حمد بخواند که امانت از در چشم تا ماه دیگر  
 تمام این روز در نزد اهل قریب از لرزه است و هر که در این روز حضرت حوا مخلوق شده است  
 ختم او را از کل آفریده که استخوان دند چلدم زیاد آمد بود و بعضی از مسلمانان و بهر میگویند  
 که باید استخوان چلپ در مزاج بریل بد آورد و ختم حوا را از آن آفرید ارضه ندارد بلکه در ختم معتبر  
 وارد شد است که ختم حوا را از خاک نقره بچرخ زمین شوره آفرید غرض شایسته است در این روز از برای  
 زن خواستن و خانینا کردن و تکاث و قبالت نشستن و حاجات طلب کردن و انجینا کار نمودن  
 اول این روز بیمار نشود و سبک باشد بخلاف آن روز و هر فرزندی که در این روز متولد شود نیکوتر  
 یابد و برای دیگر شایسته است برای هر کار خیر و تزویج و از سفر بخانه وارد شد و بفرستد و خرید  
 و فروختن و طلب حوائج نمود و نام این روز در نزد اهل قریب هم است و در این روز خیمت  
 بطریق نجوم نیز مذکور است در این روز سبل لیس آدم و حوا شد است این تاریخ از هفت بار و در  
 آدم بسیار است حوا نیز میز جلد نزول نمود و نصار در این روز بعد از عیسی گمرا شد و بعضی با او  
 اوقات شدند و بعضی بولودیت و بعضی نالت شایسته شد و بروایتی حضرت امام علی علیه السلام در این روز  
 وفات یافتند و این تاریخ لعین در این روز لشکر شفا و تشریح را بر سر پادشاه مقرر کرد و نیز گویند  
 که حضرت امام رضا علیه السلام در این روز رحلت نموده و حضرت فاطمه در این روز بر ناقص قدس بر او نمود  
 حکم در این روز از میان آدم و حوا واقع شد و عمل عداوت در این روز کردند از بیخات و طلبات این

در این روز  
 در این روز

در این روز

روزگار

داود و کونینکه ز هام نیز بودین کشاد که عبارت از بخت نصر باشد در این روز بیست و نه  
خراب که در وقتها رسوخ و هفتاد هزار نفر از اشقیانوی این شهر را کشت و این فتنه در ایام سلطه  
همین از مضایق و واقعه شد و اول جنکه که در میان ایران واقع شد در این روز بود و ایام حسن حکم کرد  
کونینکه و کلابت در این روز بود و برای تو بیادم در این روز قبول شد پس هر کس که در این روز از آن که  
مشغول احکام خانه خود کردی و ناممکن باشد برای کاری بیرون رود و بیرون رود و این روز از آن  
نیز پادشاهان و خرید و فروش سبک کارها و هر چه که در این روز بیاید شود شفا و شفا و شفا و شفا  
مولد شود روزی ش فرسخ باشد و عشر در آن باشد و در حدیث سلمان فارسی وارد شد است که  
روزی که اینست از برای هیچ کاری نیست بر و اینست که هر چه در آن روز بیاید و این روز از آن  
اعمال و نزد پادشاهان و شرفها از کسی مطلبید کاری مفویا نیست تصدقها بکنند بر این روز هر که در  
روز سفر کند بیاید که در آن راه او برسد و نام این روز در اول سفر است و در حدیث سلمان فارسی  
کونینکه از بر معامله و در این روز در میان اولاد ام بهر سبب که چون اولاد و انحصار بیاید بیاید هر که در  
و هیچ چیز نباشد از بر معامله و داد و ستد مطلق خوشان را با دم عرض فرمودند و حضور فرمودند بعضی از  
نام معامله کنند چون که شد بر او در آن روز شد و هر که در آن بود و حضور او در آن روز و چنانچه  
ندانست که جبرئیل آمد و در هر روز پنا از پشت و در پیشتر آدم داد او و نیز نهادند که در آن روز و متذکر  
بخی که کونینکه نیز بر توان چشید که او طلا و نقره از معادن بداند و در وضو شکر کرد و در اسلام کسب که هر  
سکندر و هشام بن عبدالمطلب و در این روز یکدیگر و پنا فرزند ام بهر سبب و بر اهر کونینکه در این روز از آن  
از پنا با افاضه هر که منقلب و سبب کونینکه و نیز نهاد او انحصار را منقذ شد که در این روز و هر که در  
شد جبرئیل آمد و پنا را بر ایشان زد از هدی که متفرق شد جبرئیل آمد و پنا را بر ایشان زد از هدی که  
متفرق شد و فوج فوج از میدان بالاکت و در میان ایشان بهر سبب و پنا ایشان با افاضه معاصر باشد  
و بعضی مؤخر کونینکه و افاضه و فوج جبرئیل در شب صاف نور و خراب کرد از صد فادان از خلا تو  
از مشرق و مغرب از خواب چه شد و لغاه ایشان مخالف کونینکه اینچنین است لغاف بیادم از زمان خط  
بوالشیراز و ما کونینکه بود و با اتمام صلح و اضع لغه عجله عابره شایع این فتنه نام فوج است لغه هر  
واضح این یعنی خطرات ابوالسبین و عرب و لکن کونینکه و لغت رسی و اضع ان فارس فارس و پنا  
نام فوج است و بعضی کونینکه فارسین غالب و پنا است فوج و لغه هر که از آن روز است که در آن روز  
لغاف میگوید لغت و اضع این لغت و لغت عیش و ذلت ترا جیس و ذلت پنا این فوج وضع کرده اند



# الامراض

اول جمادى  
 اول جمادى  
 اول جمادى  
 اول جمادى

با آنچه خواهد بود و متذکره بر آن پنجها با نمان و هر چه او بینه که در این روز که شود و این روز نیز  
 پیداشد و هر طفلی که در این روز متولد شود بنکوبت باید و از آنجا بیاید باشد و در روایت دیگر  
 از آنحضرت منقولست که شایسته است بر اشکار و طبع جان و در روایت سلمان فارسی روید شایسته است که خوب  
 که در این روز دیدن شود بعد از یکروز زیاد و در روز تبشیرش ظاهر کرد و نام این روز در نزد اهل فرس مجزالت  
 و در هفتم در این روز حضرت موسی مناجا کرد و بقوم مولود امام موسی کاظم است هر که در این روز شرح عشق  
 و کتاب کند بنیکی بجال برساند هر که ابتدا کند در این روز بیگاریت یا بعره عاقبتش بنکوبت باشد و در حدیث  
 دیگر خیانت که شایسته است ای شکار و طلب و درخت کشتن و زراعت کردن و تخم افکندن و تزیینات  
 زین و سفر کردن و نام این روز نزد اهل فرس مرداد است و در هشتم شایسته است هر کار که در آن روز  
 و فروختن و شکار کردن و هر که در این روز تزیینات و پارچه را در و حاجتش برآورده شود و مکر و هتک و این روز  
 بدنها نشستن و سفر خشکی کردن و بچنگ زدن و هر طفلی که متولد شود شایسته باشد هر که بگریزد بر روز  
 نتوان یافت و هر که در این روز راه کم کند راه نباید مگر بیعت هر که در این روز بیمار شود تعییب بار یکسند  
 و در روایت دیگر آنکه شایسته است بر هر کار مگر سفر کردن و هر که بیمار شود بیزود عاقبت بخشد و در روایت  
 فارسی روایت کرده که برای هر کاری شایسته است نام این روز در نزد اهل فرس بیابانست و در این  
 روز بیجا با بیعت و بر که است و این روز عید شیخانت و در تاریخ الاول که در این روز فرعون ال محمد بن  
 عمر خطاب ابو لؤلؤ انصار مشهور بیابان شجاع الیه کشت و بیستم روانه کرد و مولود حضرت عیسی و یحیی  
 برآمد در این روز واقع شده و در حدیث دیگر روز بنیکی است و از اول تا با آخر روز مبارکست بر هر کار که از او  
 نمائی پس ابتدا کارها در این روز بکن و قرض بکن و زراعت بکن و درخت بکار و هر که در این روز جنگ  
 کند غالب آید و هر که در این روز سفر کند مال او زار و زور شود و خیر بپند و هر که در این روز از دشمن بگریزد  
 بجا آید و هر که بیمار شود بر سنگین شود و هر که گرسنگی ببرد یا فاش شود و هر فرزند که متولد شود  
 شایسته باشد و هر حال توفیق یابد و در روایت دیگر هر که بیمار شود عاقبت یابد و در روایت سلمان  
 فارسی روایت کرده در این روز بدستوشی اثرش در آن روز ظاهر شود و نام این روز نزد اهل فرس است و در این  
 در این روز حضرت سنان ام المومنین خدیجه بنت علی با بعد خود را آورد در فوت از ستمباران آنحضرت  
 بیعت سال گذشت بود و بچند چنان حال داشت و حضرت نوح هم در این روز متولد شد است هر طفلی که بداند  
 نیز متولد شود و فراخ رونق باشد و بنکست بر آید و فروختن و سفر کردن و کشتن در این روز و در این  
 سو و گریختن و در این روز بدست آید و بدست آید و هر که در این روز بیمار شود سزاوار است که وصیت کند و در حدیث

# اتامراه

دیگر برای سفر کردن و فزاعت نمودن و سلف خرد بکنکوستن بر و اینک بکر برای همه کارها خوب  
 بغیر زشتی در نظر پادشاهان و هر که پادشاه خائف باشد و بروایت سلمان فارسی بخواند که دیدن شود تا بپند  
 روز بظهور برسد و نام این روز در نزد اهل فرس ایات است و نیز در کتب کهنه بروایت معتبر است  
 امام رضا علیه السلام منقول است که در این روز حضرت شعیب تولد شد است که شایسته است برای ابتدا کارها  
 و خرید و فروخت و سفر کردن و باید احترام از نادانان و فرزندان پادشاهان و هر که در این روز بگریزید  
 کرد و از رو اطاعت و هر که بیمار شود امید هست که بزود شفایابد و هر طفلی که متولد شود بیکه زندگانی  
 نماید ولیکن بهتر تا آنکه پریشان شود و از پادشاهان بگریزد و بروایت بکر هر که پریشان شود  
 بروایت سلمان خواجه بپند تا بپت روز اثرش ظاهر شود و نام این روز نزد اهل فرس شریک است  
 در آن روز هم حضرت رسول ص بدین شهر نزل جلال فرمودند و روز آنکه خداوند است و علیهم السلام  
 است بروایت امام زین العابدین در این روز وفات یافت و بروایت شب و در ده ماه زفاف حضرت فاطمه  
 واقع شد و بروایت محمد بن یعقوب کلینی تولد حضرت سالت در این روز واقع شد و قمار بیع الاول اگر عا  
 ملاعین بر این قایمند و این روز شایسته است برای هر کار و خصوصاً ازین خواستند که کان گشتن و  
 شک و بدین پاس سفر کردن و در این روز واسطه میان دو کس نباید شد و بروایت بکر که چشبه بدست آید  
 و فرزند بیایم باید و پریشان نشود و بروایت بکر برای همه کارها خوب است و در اول روز بنظر پادشاه  
 برود و در آخر روز برود و این روز نزد اهل فرس ماه شصت و نهم روز بیست و نهم است و مؤمنان  
 نجوم نیز مذکور است در این روز نافع صنایع و لایه کردند و مؤمنان با این روز معتدب شدند و مؤمنان  
 که مراد شهرها لوط است و این روز سر از بر شد و اینج شهبود مابین کمان و سپه که هنوز خرابه  
 باقیست شصت فرسخ است که بیابان است یکا هفت پهنه بدد و این روز از همه کارها خوب است و سفر کردن  
 و فزاعت نمودن بنظر پادشاهان و امر از شو و دهن بر سر ما لبت و ستر تراشید و هر که در آن باشد و هر که بگریز  
 برود متنباید و هر که پادشاه شویستب افندد و فرزند که متولد شود چندان زندگانی نکند و بروایت سلمان  
 عمو که بپند تا در روز بعد و حضرت امیر المؤمنین در این روز متولد شد و نام این روز نزد اهل فرس  
 سولست بچها شریک است در این روز برای آرزوی غما الفظفر یافتند و فتح شهر کرد و پروشا نهم بدست حضرت  
 یوشع واقع شد و در این روز بلع زبله و راهول را مغلوب شد اهل اسلام گویند بلم عابد بود و اسم اعظم میخواندند  
 خرم شد که حضرت یوشع جنگ کرد و پیروز گشت و بلم سحر بود و در این روز هلاک نزدیک ملعون واقع شد  
 که با او پیروز معا و پهلون و سایر منافقین است و بعضی گویند که قصه صاحب کعبه و پیروز آمدن تا این روز

روز بکر

روز اول

روز بیست و نهم

روز شصت و نهم

جس

در صحبت

انام

روز نهار

روز نهار

اینان از غار جبروت در این روز واقعه و انقار و در مقابل پلانی انقار است و در کتاب شهر الشریع  
 است بنکست بر هر کار و اما هر فرزندیکه متولد شود ظالم باشد و بنکست بجرا علم و خرید و فروخت  
 سفر کردن و بدین بافتن و کرشمه بدستاید و پاره حنط بدان شود در روایت دیگر هر فرزندیکه متولد  
 شود عرش و ناز باشد و بطلب علم زانجا باشد و در زان عمرها لش فرزان باشد و بر روایت دیگر پند  
 است بر او بگشا شرافت و عطا و بطلب حوائج و بر روایت سلمان فارسی بنکست بر هر امر خیر و بر روایت  
 پادشاهان و هر فرزندیکه بهم رسد خوشتر و انا کرد و خوبیکه در این روز بدست شود تا بپست و در  
 این دنام این روز نیز جاهل نص شمرت پانزدهم خبر و در این روز رسول خدا از غار ثور بیرون  
 آمد و این روز تزیین فاطمه زهرا واقعه و تحویل قبله و این روز زینب المقدسه واقعه و بعد از آنکه  
 چهارده سال و نه ماه حشر یا مسلمانان در بیت المقدس نماز گذارده بودند و بر روایت صحیح تو ثابوم  
 این روز قبول شد و مولود امام علی اله در این روز بوده است بر روایت امام محمد جواد و امام حسن عسکری  
 در این روز متولد شدند در شب حشر صلح الاقر متولد شد است و خوابت و بیخ حشر در این روز  
 گفته اند و این روز بنکست بر همه امور مکر قرض دادن و قرض گرفتن و کسبیکه در این روز بسیار شود  
 بزود محبت یابد و کسیکه بگریزد بزود بدستاید و فرزندیکه متولد شود لال باشد یا مدینه یا اثر  
 علم باشد بر روایت دیگر شایسته برای هر عمل و حاجت و بر روایت سلمان خوابی بعد از سوره  
 اشرف ظاهر شود و نام این روز نزد اهل فرس سفدانت قشایر هم در این روز خمال خواهد بود  
 شایر عباد که عرب از علوان بگفتند و بفارسی پرواست و در دنیا هزار سال کم بگردند یا  
 کوه بوج شدیم غالب شد و او را گرفت و هم در این روز فریب و یا ضحاک غلبه کرد با کاه و افتخار و ضحاک  
 زاپک رفت و در جاه کوه دماوند جیس کردند و اختار و در این روز معذب شدند و در این روز غرق  
 باستان رفت و روز غم است و موافق نجوم نیز من موم است بر هیچ کار خوب نیست مگر غارت کردن  
 و بنا گذاشتن و هر که در این روز سفر کند هلاک شود و لشکر مسلم و طو و در این روز در شقیماز که شد  
 و پیدایش و اینست که هنوز میروند و گویند که لشکر صد هزار کس بودند و بعضی چهل هزار کس  
 و یا منوچهر ملک بودند که جنان کشد هم بگریزد بزود و هر که راه کردند تا ارماند و هر که چاه  
 بزود شفا یابد و فرزندیکه متولد شود پیش از نوال بدین باشد و اگر بعد از نوال باشد خالش بنکست  
 و بر روایت دیگر پیا حشر و من موم است هر چه حاجت در از مطیبه و سفر میکند و بسیار متصل بکند  
 فرزندیکه متولد شود در این روز بدین شود و هر که بعد از این روز نال کند در دنیا متولد شود و کل







# الامراط

شوید و گویند عذاب قوم عاد اولی که احقاف باشند و قوم ثمود را نیز زبوره و گویند هلاک شد  
 و هود خدا گویند را نیز زبوره و اقصی فرستاد که بعضی از ازاگاو سر میمانند و قبا تویس و چندین کاهن  
 گفته تا وزیر شاه و شد ایضاً و گویند بخت انصرد را نیز زبوره شد بصورتی که قبا و زبانه ان بنیاد  
 کردید شود بعد از زبوره اثرش ظاهر شود و نام این روز نیز در اهل فرس هر کانت هفتاد هفت  
 تواند خسرین است بطریق اهل شعبه در این روز واقعه در ماه ربیع الاول و چون یک در این روز واقع  
 شد بدینجا هفت رخوالی مدینه مشرفه و اول فحی که در اسلام ظاهر شد این روز است و این روز سال که  
 بمکه حضرت رسول آمدند و شوکت بیست و نواصد و پیدایشان در این روز شکست شد و توحش  
 امام جعفر صادق در این روز متولد شد و بزوا این روز نیز است بر کارها و پیرهن بدین روز صکوت و قوت  
 کفر شیخ هر که قرض بدهد با و ندهد و فرزند بک متولد شود شوخالش نیکو باشد و در روز یک روز که گفته  
 و در آن همه کار مطلبید و بر و اینک بکر برای هر کار شایسته است خصوصاً ترویج و خرید و زودت و در احوال  
 حاکم و در فن بنظر پادشاهان و سلاطین و قول اول و اقرب است و در روز یک روز واقع شده که چنانکه در  
 ماه روز شفاست و نام این روز نیز در اهل فرس سر و شرات **هفتم** این روز بود که حضرت ابراهیم از است  
 نمرود کنعان خلاص شد و در این روز موسی بر سر حوره فرعون نظریافت و در این روز حضرت عیسی شمعون  
 الصفا و ابرامت خود منصب کرد و در این روز حضرت سلیمان صفت بیخوار او حقه خود گرفتار پیدایند  
 صحابه عثمان برادرش طانرا کشید و این روز که در آن پیغمبران و حقه تعیین کردند و این روز است که جیشید  
 وضع نوز کرد و اول قبول قناب بود و بر جمل و این روز در نوروز نام نهاد و اول سال قرار داد و در  
 این روز حشم ما و اقاتاب کلها و دنیا چن و عطرها و باد هاد ابار و شفا افرید و در این روز از هم فرود  
 رسول خدا از عتبات حاکم نمود و در این روز ست شهر با خراب شد و این نوله پند خراب کرد و بعضی گویند  
 تولد حضرت فی الفونین در این روز بود و در این روز اسکندر بر فیاقوس آب پیونان انداخت و خراب کرد  
 و در این روز جزا ابر خالذات که آنها معور و نیاست و از اینها تا یک با حد مغرب و در جهات آن دریا  
 اقبانوس میگویند بجز ابرامت معوشد و افرانیهاد و این روز که در چین را بنا کرد و در این روز حاکم  
 ایران و توران منوچهر قمار داد و ازش تهری انداخت و امل تا بکار ابر گویند حکما ان تیر زامیان  
 و مجوف ناخن بودند و پرا پرا کرده در وقت طلوع اقاتاب و بشرق انداخت و بجکسان تیر آمد تا با  
 زمین رسید و در این روز خلایق در غده بر خم با تیر او مشرف با مامت و لایهت بیست کردند و در آخر  
 همه بر کشید و فرستادند و عرب بگرفتند و رجب الفهر هر که دیدند مکر معدود چند از شومنان

این روز است که  
 در این روز است

این روز است که  
 در این روز است

# اقامه

سلمان و باذره و مقداد و غیره که بر چاهه مشایخ ماندند و سایر صحابه کوشا که بر تنه لختار بودند  
 خصوصاً مشایخ ثلاثه و در این روز بود که چهارده نفر بر و ابی ثانی زده نفر از مردان صحابه و سناک هم  
 قسم شدند نه نفر از مهاجرین بودند با بکر و عمر و عثمان و طلحه و عبد الرحمن عوف و سعد بن وقاص و ابی  
 بنی هاشم و معاویه بن ابی سفیان و عمر بن العاص و پنج نفر از انصاری و مواسمی و غیره از صحابه و از مشایخ  
 و ابو هریره و ابی طلحه انصار کرام الله که ایشان را اصحاب عقبه و اصحاب جفنه نیز میگویند که صحیح نوشته  
 طویله کردند که خلافت را بعد از حضرت سناک با امیر المؤمنین دهند و تمهید حکایت شب عقبه و انداختن  
 دیوار را در این روز کردند و از عقبه بر جفنه و ابی طلحه مشهور است هر شی که شتر را محصر رم کند و محصر را  
 بیندازد و هلاک کند و در این روز با بکر و عمر و عثمان لعنهم الله با سایر منافقان با محصر امیر المؤمنین  
 کردند با امر خلافت آخر نقض عهد کرد و هم در این روز حضرت امیر المؤمنین بعد از بیست پنج سال و سوا از  
 فوت حضرت سناک بخلاف نشانی صحابه و بیعت کردند بعد از قتل عثمان علیه اللغه و التبرکات  
 و این روز بنا بر کتب بر هر کار و بنیگت بر این روز و فرختن و زراعت کردن و سفر کردن و ترویج  
 نمودن و طلب حوائج کردن و کسکه با کسکه دشمنی داشته باشد بر او غالی بید و اگر با او مالی قرض داشته  
 بر کرد و پیمان شفا بابد و فرزند خالش نیکو باشد و سینهها بکوبند در این روز ضحاک مار دوش را در چاه  
 دماوند در حبس کردند و هنوز هستت بهر رخ در این روز بدستگاه خطبه بن صفوان در مغرب غایت شد و در  
 این روز بنی امیه شکل کوشک با و از این غامل بودند و او زنده شد و راهام موقوفه در این روز زمین فرو رفت  
 و بغیر از این در این روز کوشا پرستند و نام این روز نزد اهل فرس گورشت **فجر شهر روز** است که  
 حضرت اسحق متولد شد است در این روز تصدیر حضرت داود بنا کرد و در شب نوزدهم اینام محصر آمده  
 محصر و سناک تا طله شدند در جزه وسطی در منزل عبدالمطلب در این روز حضرت اسکندر و تدارک رفتن  
 بنظایم کرد و در این روز اسکندر به رابنا کرد و بیست و نهم اینام ساخت با منار و در این روز عبدالحزین علم کرد  
 نشاء الله حضرت امیر المؤمنین زید پر خوب بیست و نهم اینام است بر اسف و طلب علم و طالب بود  
 و سعید و کارها و بدست می آیند و جهان پا حریک و کمر شد بعد از پانزده ناز کرد و فرزند یک متولد شد  
 در این روز تو فوج را بابد و ببارکت باشد و بر و ابی بکر اگر کسی خصم کند بر او ظفر بابد بقدر حققت  
 و بر همه کارها شایسته تمام این روز نزد اهل فرس فرزند بیست و نهم اینام است بر و ابی در این روز مولود حضرت  
 فاطمه واقع شده و حرم حضرت امام حسین با بقعه اهل بیت رسالت از شام بیدند املاک میانه است و طویله  
 بنکوست بر اسف و بر آورد حاجت ها و بنا کردن بناها و دار بست نمودن در خشان و گرفتار خهار زبان و کسکه

روز نوزدهم

روز بیستم

# اطراف

بگردد و در اسباب او دست نماند و کسی که راه کم کند خوف هلاک بر او هست و کسی که بیار شود بیار  
 او بصعب کند و فرزند بکند بوجود اید یا شقیق زندگانی کند و بر و آیت بکر روز پنجم است و بر هر  
 این کارها پنکست خصوصاً سفر و طلب حوائج و عمارت و تزویج و در وقت کشتن و نرود پادشاهان فرزند  
 و نام این روز نزد اهل قریس خوراست و بیست و یکم در این روز وفات میند الا و صبا اهل ارضین  
 واقع شد و در شب آنحضرت رسالت را بمعراج بردند حضرت عیسی از ظلم خوارج جهنم در این شب طمان  
 رفت و در روز شنبه بار خراسان موافق نجوم نیز مذکور است و در روز پنجتن خواهان است پس در آنجا  
 طلب مکن بلکه منازعه مکن و پرهیز کن از یاد شاهان و کسی که سفر کند خوف هلاک بر او هست  
 و فرزند بکند در این روز متولد شود فقیر و پریشان باشد و بر و آیت و بکر روز پنجم است همین است  
 حیوانات و نام این روز نزد اهل قریس نام است بیست و یکم در این روز معاویة و پیرجهنم و اصل  
 شد و در این روز نیز پدید آمدن این امت شد لغت بسیار با و باید کرد و در این روز ولادت  
 بنی موسی که فرعون باشد و هو الوهید کرد بعد از آنکه پنج سال بت پرستی کرده بود و پادشاهان نیز  
 که موصل باشد و جرجس بدعولک و مامور بود بعد از آنکه واصل شد اما شاید است بر او بود  
 حاجتها و بیج و شر و در فرزند پادشاهان و تصدق در این روز مقبول است ثوابش مضاعف است و  
 بزود شفا یابد و مناسبت بر کرد و در روایت دیگر روز سبک است و براهکار پنکست و بر و آیت و بکر  
 هر فرزند که متولد شود مبارک و محبوب باشد و هر که نزد پادشاهان رود بمطلب شد و خوشتر کرد  
 و نام این روز نزد اهل قریس و پهلوان است بیست و یکم روز قدر است در رضاء مبارک و مضایا باشد  
 و بر کشت در این روز غنم حضرت یعقوب بقدر خلیل آوردند و نابوت عیسی بر او انصاف را نیز در  
 روز او بودند و هر دو را در بکر روزی که بر نند پنکست براهکار و خصوصاً طلب حوائج و ذن و  
 و نرود سلاطین و فخر و کتیکه در این روز سفر کند عیسی بدو خیر ببیند و فرزند بکند متولد شود و  
 تربیت یابد و مبارک و شایسته باشد و در شب آن که لیلۃ الجملی است در ما مذکور قرآن در این شب  
 لوح محفوظ بر بیت المعمور نازل شد و با جمل و توپیر و زبور در این شب نازل شد و بر و آیت منافقان  
 کوفه در این روز جمع نموند و تمسک اما حضرت عیسی بمعاویة بیرون حضرت را آغاز کرد  
 و سلام ندیضه است علیه اللغه خیر بران مبارک انحضرت زود و از نفاق از سید بنان دست زخاوت  
 برداشت و نام این روز نزد اهل قریس دین بدینست بیست و یکم در این روز بیست و یکم موافق  
 نیز مذکور است فرعون در این روز بوجو آمد است و تولد فرعون ال محمد عز خطاب نرود و این روز

در این روز کشتن و نرود پادشاهان

در این روز معاویة و پیرجهنم و اصل شد

در این روز بیست و یکم موافق

# انبارها

میگویند و بیعت انصاری در این روز تلخ بر سر گذاشت و سینه اش را با کمر و قتل از میان برداشت  
 بود و صلا گوشتان در این روز کوفه را غراب کند و در این روز حضرت رسالت هر من شد پس هیچ کار در این روز  
 اراده مکن و فرزند ناپاکه در این روز متولد شود روز کار را بختی گذرانند و توفیق خیر نیابد و از هر کسی  
 یا غرق شود هر که در این روز بیمار شود بطول انجامد و بر او آیت دیگر هر که سفر کند در این روز عیب و در این  
 فتح خیر واقع شد و در این روز حضرت امیر المؤمنین خاتم خود را با ائمه در واپس آید و ائمه و ائمه الله  
 در شان و نماز باشد و نام این روز نزد اهل فرسین است **بیست و پنجم** روز نوبت است  
 موافق نجوم نیز علمه است پس خود را در این روز حفظ کن و بی کاری مرو که در این روز حضرت اهل علم  
 با ایت عذاب خود مبتلا گردانند و بکنج و شصت پیتر را کشت و بیچاره خاش در این روز بد باشد و هر که  
 در این روز سفر کند خطر دارد و فرزند مبارک و فراخ روز کرد و بیکو کار اما سختی پیدا کرد و فتنه شود  
 و آخر مجازات میناید و بر او آیت دیگر هر که در این روز پشیمان شود تا آخر روز بوش نیابد و بر او آیت سلمان از شهر  
 پناه بخدا بیاید بدعا و اعمال خیر و نماز و در این روز کعبه را بز من غضب کردند و تعظیم کعبه در این روز  
 بر حضرت آدم نازل شد اول حجی نازل شد از آسمان در این روز بود و زمین را خدا در این روز زمین کرد و  
 این روز نزد اهل فرسین **بیست و ششم** شایسته است برای سفر و هر که اراده کند مگر روز خود  
 که هر که در این روز تزویج کند میان او و زوجه اش جدائی افتد زیرا که در این روز دنیا شکام شد  
 برای حضرت موسی و اگر از سفر برگردد در این روز داخل خانه شود و بیاید در این روز خاش بد باشد و هر  
 فرزند که در این روز بوجود آید عمرش دراز باشد در این روز شکافندگانی را وداع کرد و بر او آیت دیگر  
 هر که منافق شود نیند و شاید برنگردد و تصدق بسیار بکند که فوایدش بسیار باشد و نام این روز  
 نه اهل فرسین است **بیست و هفتم** برای همه کار و بیکت و این روز بیعت حضرت رسالت در  
 ماه رجب فرزندیکه در این روز متولد شود خوش بود و خوشحوی و طولی عمر و با خیر فراوان و محبوب  
 و گاه مردم باشد و در روایت دیگر برای زاعت و غار و خرد و فروخت و در شتر بخا لرس و بیعت و گوا  
 بیکت و نام این روز نزد اهل فرسین است **بیست و هشتم** بیکت برای همه کار و مخصوص سفر است  
 و در این روز حضرت یعقوب متولد شده است هر فرزندیکه متولد شود در این روز زلف را در آن بابت بخود  
 برم باشد و احسان کند و اهل خود و لیکن عجزها عظیم بود و در آخر عمر برضو یا بعضی چشم مبتلا کرد  
 و در روایت سلمان خوب رهان روز اثرش ظاهر شود و فایده خاتم الانبیا و امام حسن مجتهد و در این روز  
 واقع شد و در این روز غضب خواهل بیت و خلفت کرد و در این روز بنا ظلم بر اهل محمد گذاشت و نام

روز نوبت است

روز نوبت است

روز نوبت است

روز نوبت است



# آداب هفتاد

بخوان و جامت بکن و حضرت رسالت پناه چون هوا گرم میشد از اندرون بر بیرون نقل میفرمودند  
 و در بعضی روایات وارد شد که نوره کشید در روز جمعه مورث پیوسته است در چند روایت بخور  
 واقع شد است بلکه بعضی روایات وارد شد است که متعجب است و در روایت معتبره وارد شد است که روز  
 روز خواستگار و نکاح کرد است و متعجب است مورث و پیش شانه کردن و تصدق دادن و نماز را بجا آمدن کذا  
 و صلوات و احسان نمودن بخویشان و برادران و سر را بخیلی شستن و خضه نمودن و برایشان بر کارها مبارک است  
**روز شنبه** عربان تراشید و بکوبید و بجزایب است و بجزایب است متعلق است بزحل و عطارد است  
 از ایام هفتاد و در حدیث وارد شد است که ست نام مختصر رسالت پناه است و هر کس بگوید که چون خشم از او  
 استمانها زمینها فارغ شد از روز شنبه بود به پیش خوابید و پانزده گذاشت تا از کوفت براید قاتله الله  
 ای نون کون و حضرت رسالت پناه کرده است خدا مبارک کرده است بر امتی که با خدا روز شنبه و پنجشنبه  
 را برای کارها خویشتن و سفر کردن باشد از احتیاج بجای خود بر میگردد و در جزایر و اشهاد و حضرت امام حسین  
 در این روز واقع شد است که قومی از بنیادان بنی اسرائیل که در این روز ماهی میگرفتند بصورت میوشد  
 و از برای ناخن گرفتن و شستن و خویشتن و هفتاد است که از این که شنیده اند که گویند چنانکه  
 متاجهال و غلام الناس متعارف است چنانکه وارد شد است که هر که ناخن و شاز در روز پنجشنبه  
 بگیرد از درد دندان و در چشم عافیت یابد و در روایتی وارد شد است که جامت کردن در روز شنبه  
 مورث صحت و عمل ذراعت را خویشتن و قولی در شنبه و یکشنبه و سه شنبه خوب نیست و میگویند تا  
 چند در شنبه که در اصابع میافند و مستعد بقول اصیل ندارد ابوالجناز احتیاج در این روز آفرید  
**روز یکشنبه** متعلق است بافتاب عربان را اول گویند و بجزایب است الا بعد عصر است از ایام  
 هفتاد و این روز خشم بنی افریش نموده و زمین را آفرید میان است برای همه کارها و محشری در روز  
 الا بر روایت نمود که عذاب نبرد این روز نازل شد و در حدیث وارد شد که بنویسد با الله فرس بر اول احد  
 فان استعدا لحد القیف امن و احتیاج بود الا حد نیز وارد شد است که مراد نصار باشند و موافق حد معتبر  
 جامت کردن در طرف عصر یکشنبه بسیار نافع است در حدیث میگوید وارد است که بنیاعروسی و بناها و  
 سفر کردن نیز خوب است در این روز و الا قرن بنیاسد لها و عمار بنیاسد بنا که خورنقی با که مدال الشیخ  
 عراق عرب بوده از طرف انعام بنیاسد بنا که داشت و قولی گویند که بنا کند ملک حومان را  
 حمرنا قوس حکم در این روز گذاشت **روز دوشنبه** متعلق است بقمر و عربان را اول گویند  
 و بجزایب است و در این روز کوهها در آب بخوابند و در این روز قمری با قبطیان از عقب

روز شنبه

روز یکشنبه

روز دوشنبه

# الانوار

اسرا ایل از مصر بیرون آمد و بر نکر و بدید و سخن بن روز هاشم از پام هفته و در پام سال روز عید  
 از هر سخن تراست این روز مدون است بر بنی امیه لغه ام الله که ایشان عید کردند و آنها بشه و خیر  
 امام حسین و سنی این روز را مبارک میدانند و هم اینطایفه و ناصبها و مرتدان صحابه از برای شرف  
 این روز حدیث وضع کرده اند که من و بنابر کتبت خدا برایشان لغت کند که دروغ میگویند و هم  
 نیز از برای غاشور احوالیت وضع کرده اند و در این روز غاشور زخیره و در خاتما خود جمع میکنند  
 و این روز را خوارج و شهادت و ناصبها و شهادت میدهند و حنا میسازند و بلبین یکدیگر  
 میزنند و نمازها میزنند و عروا اعراب را در پیر و اهل بیرونش برین و حوالی از بصره و بغداد و غیر  
 میشود سخن رسول خدا از دنیا مفارقت نمودند و وفات حضرت امام حسن مجتبی نیز در این روز واقع  
 برای هیچکار و مناسب و برای طلب معاش و تجارت خوب است و در احادیث بسیار طریقی واقع  
 است از سفر کردن در این روز و چندی حاجت رقیق از پام منو سال این روز است و بیست  
 ماه مبارک در رمضان و بیست هشتم و سیزدهم صفر و چهارشنبه آخر صفر را نیز گفته اند در حدیث معتبر  
 از حضرت امام علی علیه السلام منقول است که هر که خواهد او را از شر دو شبانه الله تم نگاهدارد و در وقت  
 اول نماز صبح روزه و شبانه سوره هل اتی علی الا نسان بخواند و این جزو از علی عامه که از کشتن  
 بزرگ ایشان در کتاب شد و ذوالفقو طغر بر شمع زده میگویند که شمع این روز را شوم میندازند  
 بجهت در این روز حضرت رسالت متولد شد و در این روز بعثت شده و در این روز وفات یافته و  
 این روز از مکه هجرت نموده و در این روز داخل مدینه شد و جوان و همزیست که در این روز سخن  
 رسالت وفات یافته و بنای ظلم بر اهل بیت گذاشت و عصب خلافت کردند و شیخ از لعنهم الله نفاذ  
 که خود را ظاهر نمودند و مولی اری شدند که از ایشان نبوی و وفات روز قیامت خلق را بصلاح و کراه  
 فکند و ثبوت ایشان بنکر و هفنا در سر کرده شد و حکایت تقی بنی ساعده بر ایشان ظاهر است که نما  
 و انصاف کشید که منا پر و منکم امیر من و شیخ متعاقب است بهر پنج و عربیه ترا جبار میگویند  
 و بعد از پواتلک و روز بنی عباس است منانه است برای اکثر کارها و در این روز مسلم عقول در کوفه خرد  
 گرد و سال هشتم هجرت و در این روز دولت بنو امیه منقرض شده و مروان معروف به روان خمار از بنو  
 نوامیه در این روز کشته شد و سلطنت بعباسیان رسید و در این روز جزا لکتاب عمود شد و در  
 حدیث وارد شده که سفر کن در روز شنبه که در این روز هفتاد هن را برای شکر داد و نو کند و در وقت  
 بکار از حضرت رسول منقول است که هر که در روز شنبه چهاردهم یا هفدهم یا بیست و یکم بخواند

در این روز  
 عید است



# الاقصی

موجبها باشد از عدد های سال و در حدیث و اورشده است که در وقت شنبه ساعت که  
 جماعت وان ساعت فتنه می آید تا او را ملاک کند و در حدیث عبرت از شدت که هر یک  
 را در بر آوردن باشد از اطلب نماید در وقت شنبه و در روایت دیگر قرار شد که در وقت شنبه  
 روز خون گرفتن **مرفق چرخها** شنبه متعلق است بقطارد و عربیان را میگویند و بجز  
 الا و بعد از این روز منسوبت بشما خلفا شب عباس که تقضیم این روز منسوبت و الحال بشما هر چه این روز  
 و از ایام منسوبه است و در این روز ختم ارکان اثر افریده و در این روز هلاک گردانید ام سال منسوب  
 احتفان و لوط و شعبان و در این روز پادشاهی از میان می آید بر طرقت و در این روز قایل اثر  
 اختیار نمود و زرد شد و در این روز خونگونی که در ایام سلطنت کشاست در این روز از اشک هلاک  
 در عالمها کرد اول از کشت اشک بلخ و دیگر خود بخت اشک از دنیا بجان که در بیدار باد کوبید  
 در خوش اشک از منبه و بعضی گویند ایام سحر جوی که بر اسرافیل مشهور است و ساخته و در هم بگذرد  
 منسوبت با و در نوهار اشک حوالی قزوین و نوش از اشک مازنا اصفها و دام بر تر از اشک  
 فارس و در خوش اشک کرمان و در غروب قناب این روز در حال بر صاید متولد شد و تولد معاویه علیه  
 السلام و بعد از این روز بود و شب شهر طنطنبه در این روز بوده که اکنون با استنبول مشهور است و از اشک  
 بر لطف بیایون ساخته و بنام باقی و موسومست در این روز شاه پور و اول کاف ابراز کفها بیرون  
 آورد و میکش و در این روز حقیقا بخریق مرغان را افرید و در این روز غار طرخج کردند و علی بن ابی  
 زاد که میکش شد و حجره لا شود را کردند از موضع خودش و بودند بکوفه و بیست سال عمر نزد ایشان  
 بود و در این روز خوبت طلب علم و حکمت و کتابت و ابتکار ادیس و خام رفت و برای اکثر کارها و بگوشا  
 بنیث و هنر واقعات از حیات کردن و نوره کشید و سفر کردین در این روز و در بعضی روایات  
 بخون حیات متولد و اگر حیات ضرر و شود بهتر است که در آخر این روز واقع سازند چنانچه در بعضی  
 فار شد است و هر چند که واقع شد است از حیات کردن در روز چهارشنبه هر گاه ماه در حقیقت  
 باشد و در روایت عبرت و از شدت است که در خوردن دوا و مسهل است و طایفه از بخواهش  
 در این روز بصورت غوک مبتدا شد تا انانی بودند که از انحصار مائده است اما طلبند و ایمان بنا آوردند  
 مرفق پیر چشمت متعلق است شب و عربیان را مونس میکنند و بعضی بوم انجس و در این روز چشمت  
 بخواهش و طلا و نقره را از معان بیرون آورند و غار است و در این روز بنا کردند و در این روز  
 و کز یافت و در این روز و در این روز حشر است که از ظلمات بیرون رفت و در این روز

در این روز  
 در این روز

در این روز  
 در این روز





# تاریخ امامها

میگردند و روزانده شیعیان است و این روز را جماعت کردستان و ساوجبلاغ و سلماس و غیره چون  
 الحولان و بغداد همگی جشن میگیرند و روح کثیف معاصروین بد و بنیامتنه را از خودشان  
 شام و سرور میکنند و در این روز شادی و سرور و ذابره و ساز میزنند و شامات میکنند که روز  
 مصیبت را فضا است اللهم احسننا مع قوالهم والغبام جیبًا و در روز شانزدهم پناه محول قبله  
 انبیا المقدس بکعبه واقع شد و هفتم پناه عذاب بر اصحاب الفیل نازل شد و در سبت پنجم پناه وفات  
 سجاد است صفر هجرت پناه صفر نام گذاشتند که صفر را غنم عرب یعنی زودبخت و حیوان از زودبخت  
 و در سبت هفدهم روز شد برک در خان در پناه بوده و عرب نیز در اینها خانه خود را خالی میگذاشتند  
 بیرون میفرستادند بر غارت بر یکدیگر و صفر را بیک اغنیا یعنی صفر کرده اند یعنی خالی بودنت که بعد  
 از محرم خانه و اطراف خالی میگذاشتند و حرکت میکردند و عاقبت میگویند که در اول اینها حرکت نکردن  
 از مکان خوبتر است و روز اول پناه سر مبارک حضرت امام حسین را داخل مشق کردند و در این روز  
 قتل امام زین العابدین گرفتند و در سیم پناه مسلم عقبه از قبل پناه معاویه و ولدا از نادر کعبه سوخت  
 و دیوارها از انداخت و خراب کرد و ستونها از آتش سوخت و مسلم سردار یوز قبل از غلغله و با این  
 زینب را زود و ان خیر البلد جنک کرد و این روز حضرت باقره متولد شد و در روز هفتم پناه بر حضرت  
 امام حسن وفات یافت و مولود حضرت کاظم در این روز بوده و در هفتم پناه حضرت رضا وفات یافت  
 و در سبت پناه اهل بیت داخل مدینه شدند و در این روز جابر بن عبد الله انصار بکری را آمد و حضرت  
 سید الشهدا از یار کرب که قبل ازین چهار نفره بودند یارین و در سبت سیم ما خلفت و امامت از دست  
 با ولا و عباس رسید و سال سی و دوم هجرت و ایوم مسلم سردار یوز از ایشان از خلافت گرفت و عبد الله  
 سقاخ خلیفه شد و در شب پناه مانده بود که حضرت رسول و امام حسن وفات یافتند و در روز  
 اخرا پناه هلاکوخان کوفه را خراب کرد و در این روز از مردم شام قتل کرد و سبب **اکرام**  
 هار عرب بوده اینها و ما ایند بعد از آن و در اول پناه وفات حضرت امام **ع** و امامت قائم ال  
 محمد شد و در شب اول پناه حضرت رسالت پناه از مکه به مدینه هجرت کرد و در سال سیزدهم و بیست و شش و اش  
 پنجم بود و حضرت امیر المؤمنین در این شب بر فراش انحضرت خوابید و حضرت بر غار ثور نشین برودند  
 همه کسان غدار و غار آمدند و حضرت سرور و در غار ماند و در روز چهارم پناه بیرون آمدند  
 مدینه شد و در روز هشتم پناه داخل مدینه شد و در روز هشتم پناه بکراوات امام حسن عسکری وفات یافت  
 و در نهم پناه قتل عمر الخطاب علیه السلام افتاد است و این قول مخالف است دارد با آنچه آن سیر و تواتر

تاریخ امامها

تاریخ امامها

# تاریخ احوال

ضبط نموده اند بر آنکه علمای اهل سنت و جماعت را در چهار قرن گذشته میدانند و مشهور  
 در روز هفتم حدیث حلبی است و این عبد بزرگ شیخ است اما ابن ابی ریس و شیخ معتدل و بعضی از علمای  
 شیعه میگویند که آنرا زاده در روز دوشنبه چهارم منته ثلث و شصت و شصت هجری است و در دهم اینها از  
 حضرت خدیجه واقعه شد و آنحضرت در آنوقت بیست پنج سال داشت و بیشتر نیز گفته اند و در چهار سال  
 فوت فرمود و در آنوقت از عمر بخیران سوختست سال رفتن بود و خلافت نوحی او در آنوقت  
 کمتر بود و در این روز حضرت رسالت عامه و شد بکشتن بود و عبد انبیا را با چاه و نفری بگرفتند تا بچهار  
 کشتن بود واقع برادر کنانه شوهر صفت بنی قریظ از خطب و در هفدهم اینها مولود حضرت ابی طالب است  
 بطریق شیعری واقعه در دوازدهم اینها منسلت در هفدهم اینها مولود حضرت صفاق بوده و در هفدهم  
 حضرت ابراهیم با نبرد جنگ کرد و خاتم پشاهان و فرستادان آمد و در آنوقت و شکرش و اهل آن کرد و در  
 نوزدهم ناود مجتک با نوبت رفت و در بیست و دوم هشت شد نام شد بعد از آنکه سصد سال بعد  
 اینها کار کرده بودند و در بیست چهارم حضرت مونس عیسی بر عتق و اکت و در آخر اینها نوح بر چو در  
 گرفت سر بیخ **الآخر** در چهارم اینها مولود حضرت و پنجم ما توکل علیه بیستم رفت و در  
 منصر او را اکت و در ششم اینها جعفر و انقی بغداد را بنا کرد و فتح کابل را با هم و چند ملحد و در هفتم  
 اینها شد و در دهم ماه فرض صلوة در سفر حضرت قرآن گرفت و بعضی فرض صلواتین و ابتدا عتقاد  
 هرگز از ماه گذشته میدانند و در آخر اینها دولت بزرگ در شهر ناز برد شد سلطنت زیم بعرب سپید  
 خالد و بعد در آخر اینها بیخ و اصل شد **جاء اول** مضاف اینها از متنا بود که ابی مخ میگرد و شد  
 سرفا بود و جاد اولی را جاد خمر و جاد ثانی را جاد مندی میگویند از برای انکار اول نیم از ماه  
 بوده و پنجم اینها ملخ طلا پدید بر حضرت با توفیق و در هفتم ما متوجه حضرت فرات را کند و در دهم اینها توفیق  
 بجا داشت و در این روز واقعه حمل رسول و در شصت بر حضرت امیر المؤمنین نازک شد **جاء اول** **الآخر** و  
 این روز ملک بر حضرت رسالت نازک شد و در پنجم اینها و فاطمه زهرا است و در نهم اینها ابن ابی ریس  
 والی شد مکه معظمه و آخر یکروز و در از برای از نصب کرد و در هفتم روزی **الله** زهر کشنده شد و در  
 سال هفتاد و هفت بدست حجاج بن یوسف **الله** را در آنوقت هفتاد و شصت سال داشت و در بیستم  
 اینها که سال دوم بعثت بود تولد حضرت فاطمه واقع شد و بعضی سال پنجم بعثت گفته اند و اصحاب بقول  
 است در بیست هفتم اینها ابو بکر ملعون **والی** امت و حکومت او قایل شد **جاء اول** **جاء اول** از اینها  
 اینها واجب گذاشته اند که وجوب لغت یعنی تعظیم است بر حجاب و عظیم **والی** حجاب تعظیم و در جاهل

تاریخ احوال  
 جلاله و جلاله  
 جلاله و جلاله  
 جلاله و جلاله

# نَوَائِلُ أَيَّامِهَا

تعظیم آنها میکردند و محراب و قنار پر وقت نمیشد و اصحاب میگویند زیرا که حضرت در این ماه رحمت  
 و مغفرت خود را بر بندگانش میفرستد و اسم نیز میگویند زیرا که در این ماه صوت مستغنی و  
 قصه سلاخی می شنیدند و شب جمعه اول این ماه رخا پست و رخا پست و رخا پست و رخا پست  
 بسیار است تمام ملائکه آنها را از زمینها و ران شب ریدنا مع و حوالی آن نازل و جمع شود  
 و از زمین برای مدت حضرت رسالت بخورند و احوال بطریق خاصه و عاقد در فضیلت آن شب  
 بسیار است و در روز اول ماه حضرت نوح م بکنه نشست و در روز جمعه بود که حضرت یاقوت منوره  
 و این خطاس گفته که مولود حضرتها در پست و در دهم این ماه مولود حضرت جواد است در سیزدهم  
 این ماه مولود حضرت ابراهیم بوده و در نهمه این ماه حضرت رسالت از شعب بیرون آمد بعد از پنج ماه  
 از هجرت و در این روز حضرت رسالت فاطمه را شاه و لایق پناه ترویج نمود و حضرت فاطمه در  
 سال داشت و در این روز توفیق آدم مقبول شد و این روز است فلاح میگویند و در تمام داود در  
 میبجا شد و این روز در این روز حضرت زینب بنت علی را در این روز میگویند و  
 روز هجدهم این ماه ابراهیم در زند رسول خدا از دنیا رفت و در بیست و دوم این ماه معاویه علیه السلام  
 پادشاه شد و هم چنین این روز بجهنم واصل شد و آنرا هفتاد سال امارت شام را گریه بود  
 و بیست سال سلطنت منفر براسه و بعضی نوزده سال کشاند و این واقعه عشترا فرزند رسالت  
 ستر هجری بود و در بیست و ششم این ماه منافقان کوفه خیمه زهر را در بران مبارک اما حضرت زینب  
 و در بیست و چهارم این ماه فتح خیبر واقع شد و در این روز حضرت طهار از حبشه آمد و پنجاه این ماه  
 کاظم بوده و در بیست و هفتم این ماه مبعث حضرت رسول است و اول روز است که در دنیا آله الا الله  
 کشد و روزه این روز است و ثواب بسیار دارد و در شب بیست و هشتم این ماه حضرت امام حسین  
 از استبک بنی امیه از مدینه متوجه مکه معظمه شد و هم معاویه غایب شد و در شام پانزدهم  
 و کت شعبا بجهت است که در این ماه منتهی شود و در این ماه و اجلاها و قمت بشوق بلایا و  
 مناناد در روز دوم این ماه که سال دوم هجرت بوده روزه ما مبارک رمضان واجب شد و در سیم این ماه  
 حضرت امام حسین است و در این روز حضرت از مدینه به کربلا فرستاد و از ستم دشمنان داخل مکه معظمه شد  
 و در نهمه این ماه مولود حضرت صاحب است و شب لیل الایمان است و در شب ظهر ختم با ائمه معصومین  
 شفقت نمود که توفیق عمل خیر یابد و این شب نوشته میشود و بیستم این ماه نوزدهم و مقصد است  
 ماه رمضان فرموده اند که رمضان که سید عالم است شهر رمضان و رمضان از جمله ایام است

در این روز  
 حضرت زینب  
 از مدینه  
 متوجه مکه  
 معظمه شد

ماهی است و در قمر رمضان سنک کرم را گویند که از خوارشافها بنا شده باشد و در رمضان یعنی ششاد که  
 مضارن بود این ماه پیش از خوارشاف که سال بود بیست و یکم از هجرت بود بنا بر مامون  
 ملعون یا حضرت امام رضا و اطمینان حضرت ابا عبد الله خود کرد اینده و در این ماه خدیجه کبری عین فدا  
 یافت و در پنجمین ماه مولود حضرت امام حسن و شب هفدهم این ماه لیلۃ القدران و در روز ششم واقع  
 یک کبری واقع شد اول نوحی که در اسلام رکود از این روز بود و در نوزدهم این ماه موافق شد با اول  
 مه و پسندیدند صبح آن ابن ملجم حضرت امیر المومنین و در بیست و یکم این ماه سال هشتم هجری قمری که  
 معطر بغداد و در این روز علم با برکت پیغمبرها و بنابر از کعبه نجات روز بیست و یکم این ماه موافق  
 حضرت رسالت واقع شد و در بیست و یکم این ماه لیلۃ القدر است شب قدر شصت و شصت و در بیست و یکم  
 و نوزدهم و بیست و یکم است که باید این شهر ایجاد داشت و در اول فرات تمام ما با ما و بنا از بیست و یکم  
 از جانب الله تعالی در این شب بود و در بیست و یکم شب قدر است و در این شب ششم بود  
 فرود آمد و انجیل در شب سیزدهم و در بیست و یکم قران در شب بیست و یکم است و در این شب  
 از جانب او زمین ای در نعت هر این ماه امر زید پیشو کاهان مؤمنان و روزه داران ماه مبارک  
 رمضان و در روز اول ماه عید نظر است و شب اول ایام است و اول ماه حاج است و در روز  
 پروردگار ایشان رحمتی نازل کرده یعنی زینب و برای صنعت غسل در این ماه عید نماز حضرت  
 رسالت واقع شد و در این ماه مفضل جنود بود و در این روز افتاب یا حضرت امیر المومنین برکت  
 و در این ماه عشر است که حق تعالی خود غار راهلاک کرد و اینده و در روز این شش روز روزه آباء  
 شیخ میکوید و در هر روز شیعیان نیز روزه شد که در روز این شش روز خواه جمعاً و خواه منفراً  
 و اکثر قرآن حضرت رسالت در این ماه بود و در این ماه عید است و در این ماه عید است و در این ماه  
 از ماههای حرام است و در این ماه جاهلیت تقطیر این ماه روزی هجرت در جیب که فراری افتاد  
 کردند و در روز اول این ماه حق تعالی و در این لیلۃ القدر حضرت موسی که در پنجمین ماه است  
 کعبه بنا کردند و در روز بیست و یکم این ماه دخول الارض است حق تعالی زمین را پس کرد اول  
 که حق تعالی فرستاد بر زمین و در این روز بود و در این روز است که بنابر از کعبه نجات  
 معلوم شده و در اول این ماه است و در این ماه نجات شد اول این ماه ابابکر و در این روز  
 سوره شریفه میگرد معطر که بکنار فروش می تواند و این خدمت حق تعالی است و در این روز  
 شویض شد و در این روز ظاهر را از زمین نمودند و در این روز حضرت خلیل مولود شده و در این روز

ایام  
 ایام

ایام  
 ایام

ایام  
 ایام

ساعتن

سیم این ماه فویدم واقع شده و این روز خفای امام حسین شویخه عرفان شده و در این روز  
 عرفان شده و در این روز خفای امام حسین شویخه عرفان شده و در این روز  
 روزی که چنان بر این میدان در هر که و مظهر بندگی بی بندگی و تقدیر یک عرفان و در این  
 روز سه شنبه سال ششم هجری بود مسلم عقیق در کوفه خروج نمود و در روز هم عرفان مسلم عقیق  
 این روز شنبه شد و این روز در خواران شناختند و این روز است که با یکدیگر می بیند هزار کس از شیعه  
 سنی و زید و غلات و خوارج در عفرنج شونده اللهم اجعلنا من الواقفين بعرفان بحق محمد الله و در این روز  
 حضرت رسالت سدا ابواب سجده خود نمود و از خانه امیر المومنین زکات و در این روز این یاد ملت و مکتب  
 عروه داشتید که و بعضی گویند که مبراج این روز واقع شد و هم چنین ولایت علی علیه السلام در این روز شد و هم در  
 ماه صید صحی است و خواندن تالیفات در هر اول این ماه هر روزه در شب خواندن سنت است و در روز عید افعال  
 مجمع خاجا سینه افعال حج ستیان تمام میشود و در این روز حضرت امیر خوات که اسمعیل را فرزند کرد  
 در چند حد و در حد است که اسحق را پیوسته فرزند کند و با اسحق فالتند و در این روز صبح شد و اجیت شد و در  
 این روز پنج غزای اسمعیل آمد و در روز این روز حرام است بالاثقان بر خاجا و غیره از مسلمانان و باز در هم  
 و سهر هم این ماه ایام شرف است و در روز این روز بر خاجا حرام است باید که روز اهل خاج و در صحی نمایند  
 و شب را نجایب و تر کنند و سجده هم این ماه غدیر است که رسول خدا امیر المومنین برای امت نصیب کرد و اول آن  
 که را بید غایت صحابه کردند و اگر از انکار کردند خصوصاً آنکه و نکند باشند که انحصار علی بن ابی طالب  
 عثمان را کنند و در شب فوید هم این ماه زفاف حضرت فاطمه واقع شد و در شب بیست یکم فویدم نازل شد  
 روز بیست یکم فویدم است و بر این روز شب بیست چهارم علی بر فرزند حضرت رسول که خواست این قول  
 است و در وقت چهارم نیز میگویند که در فرزند حضرت خواتین و در این روز حضرت خاتم واقع شد  
 انما ولیکم الله و رسوله در شان حضرت امیر المومنین نازل شد و این روز میباید است که حضرت رسالت  
 و در هر آن میباید کرد و نصای مضاری در این روز جزیره قبول کردند که بدینند و در شب بیست و یکم  
 صلوات علی الانسان نازل شد و در قولی بیست چهارم فرعون این است عمر الخائب علیه السلام را کنند  
 و در این ماه در سال دعوت حضرت امیر المومنین حضرت امیر المومنین حضرت امیر المومنین حضرت امیر المومنین  
 از اجزای شب و روز است و اصطلاحات بدان محلت است اما تا آغاز صفر خروید از بیست چهارم جزیره  
 روزی که حضرت شمس و در هر که و فقیر شمس تا نهر تا نهر شمس تا نهر و کاه اطلاق ساعتی در این روز

این روز است که با یکدیگر می بیند هزار کس از شیعه سنی و زید و غلات و خوارج در عفرنج شونده اللهم اجعلنا من الواقفين بعرفان بحق محمد الله و در این روز حضرت رسالت سدا ابواب سجده خود نمود و از خانه امیر المومنین زکات و در این روز این یاد ملت و مکتب عروه داشتید که و بعضی گویند که مبراج این روز واقع شد و هم چنین ولایت علی علیه السلام در این روز شد و هم در ماه صید صحی است و خواندن تالیفات در هر اول این ماه هر روزه در شب خواندن سنت است و در روز عید افعال مجمع خاجا سینه افعال حج ستیان تمام میشود و در این روز حضرت امیر خوات که اسمعیل را فرزند کرد در چند حد و در حد است که اسحق را پیوسته فرزند کند و با اسحق فالتند و در این روز صبح شد و اجیت شد و در این روز پنج غزای اسمعیل آمد و در روز این روز حرام است بالاثقان بر خاجا و غیره از مسلمانان و باز در هم و سهر هم این ماه ایام شرف است و در روز این روز بر خاجا حرام است باید که روز اهل خاج و در صحی نمایند و شب را نجایب و تر کنند و سجده هم این ماه غدیر است که رسول خدا امیر المومنین برای امت نصیب کرد و اول آن که را بید غایت صحابه کردند و اگر از انکار کردند خصوصاً آنکه و نکند باشند که انحصار علی بن ابی طالب عثمان را کنند و در شب فوید هم این ماه زفاف حضرت فاطمه واقع شد و در شب بیست یکم فویدم نازل شد روز بیست یکم فویدم است و بر این روز شب بیست چهارم علی بر فرزند حضرت رسول که خواست این قول است و در وقت چهارم نیز میگویند که در فرزند حضرت خواتین و در این روز حضرت خاتم واقع شد انما ولیکم الله و رسوله در شان حضرت امیر المومنین نازل شد و این روز میباید است که حضرت رسالت و در هر آن میباید کرد و نصای مضاری در این روز جزیره قبول کردند که بدینند و در شب بیست و یکم صلوات علی الانسان نازل شد و در قولی بیست چهارم فرعون این است عمر الخائب علیه السلام را کنند و در این ماه در سال دعوت حضرت امیر المومنین حضرت امیر المومنین حضرت امیر المومنین حضرت امیر المومنین از اجزای شب و روز است و اصطلاحات بدان محلت است اما تا آغاز صفر خروید از بیست چهارم جزیره روزی که حضرت شمس و در هر که و فقیر شمس تا نهر تا نهر شمس تا نهر و کاه اطلاق ساعتی در این روز

و در این روز حضرت رسالت سدا ابواب سجده خود نمود و از خانه امیر المومنین زکات و در این روز این یاد ملت و مکتب عروه داشتید که و بعضی گویند که مبراج این روز واقع شد و هم چنین ولایت علی علیه السلام در این روز شد و هم در ماه صید صحی است و خواندن تالیفات در هر اول این ماه هر روزه در شب خواندن سنت است و در روز عید افعال مجمع خاجا سینه افعال حج ستیان تمام میشود و در این روز حضرت امیر خوات که اسمعیل را فرزند کرد در چند حد و در حد است که اسحق را پیوسته فرزند کند و با اسحق فالتند و در این روز صبح شد و اجیت شد و در این روز پنج غزای اسمعیل آمد و در روز این روز حرام است بالاثقان بر خاجا و غیره از مسلمانان و باز در هم و سهر هم این ماه ایام شرف است و در روز این روز بر خاجا حرام است باید که روز اهل خاج و در صحی نمایند و شب را نجایب و تر کنند و سجده هم این ماه غدیر است که رسول خدا امیر المومنین برای امت نصیب کرد و اول آن که را بید غایت صحابه کردند و اگر از انکار کردند خصوصاً آنکه و نکند باشند که انحصار علی بن ابی طالب عثمان را کنند و در شب فوید هم این ماه زفاف حضرت فاطمه واقع شد و در شب بیست یکم فویدم نازل شد روز بیست یکم فویدم است و بر این روز شب بیست چهارم علی بر فرزند حضرت رسول که خواست این قول است و در وقت چهارم نیز میگویند که در فرزند حضرت خواتین و در این روز حضرت خاتم واقع شد انما ولیکم الله و رسوله در شان حضرت امیر المومنین نازل شد و این روز میباید است که حضرت رسالت و در هر آن میباید کرد و نصای مضاری در این روز جزیره قبول کردند که بدینند و در شب بیست و یکم صلوات علی الانسان نازل شد و در قولی بیست چهارم فرعون این است عمر الخائب علیه السلام را کنند و در این ماه در سال دعوت حضرت امیر المومنین حضرت امیر المومنین حضرت امیر المومنین حضرت امیر المومنین از اجزای شب و روز است و اصطلاحات بدان محلت است اما تا آغاز صفر خروید از بیست چهارم جزیره روزی که حضرت شمس و در هر که و فقیر شمس تا نهر تا نهر شمس تا نهر و کاه اطلاق ساعتی در این روز



# احکام و فرائض

باصطلاح

که محاسب بر یاد و گهر چنانچه وارد شد است از آنجا که از صبح تا طلوع آفتاب یک ساعت که شمارش  
 به پنج ساعت باشد و صدق با بقول ما باشد از فردنقرا افتاب تا نطق و شفق است و هر  
 به پنج ساعت و نیم غیر مستقیم تا بلند آفتاب حدیث و با اصطلاح پنج ساعت است که در وقت و در  
 و ساعات و بنا بر آن تفاوت بسیار است که مذکور شد و در سال لغز هزار سال در بنا است و توافق آن  
 و ایش در زمان نزهت که روز پنجشنبه هزار سال باشد و در تری حتم روز هزار سال است چنانچه در اول  
 ابتدا روزی باشد که در این سال با صد سال علی الاطلاق ملک که در سجد محض را دم بود و در  
 چون سر برداشتن میان روز که سصد سال یاد و این سال باشد مشغول تعلم ایشان بود و از ظهر  
 تا عصر که در این باشد مشغول خوار و کفاجض بق و از وقتی که توبه او را قبول کردند سصد سال بود  
 و از عصر تا شام بوده و موافق حدیث دیگر در بنا یک روز است نزد حتم و لغز یک روز و از طلوع  
 دنیا و صد پیش هزار سال که صد هزار از اهل بیت رسالت و حکومت ایشان است که باقی ماندند و  
 هزار سال از سایر خلایق و تعیش ایشان و هم چنین دنیا را هر هزار سال خرابی و از ده سال  
 میدانند و طبیعتین و بر اهر هر سصد شصت هزار سال دنیا را خراب میدانند و بعد از آن نابود  
 و ملامت و سوفسطا شه دنیا همیشه میدانند که بوده و خواهد بود اما ساعاته بنا و آنچه در رنج  
 سکون که محل و سکای بنی آدم است از اینها رسد و ضبط نموند و موافق حدیث نیز در است  
 پس بگویند اهل رسد که علمت یک ربع کمتر است ابتدا معهود از گوشه است که کنگ دره چنان است  
 از ابتدا مشرق تا ابتدا معهود که جزیره خالذات و الخال باب معهود شد هفت قسم فضا  
 و هفت میدان قرار دادند و هر میدان دو آره بنا هفت و نصف است و در اول میدان دو آره  
 ساعت نصفی است تقریباً و در وسط آن بیرونه ساعت و نصفی و ربعی بوده و وسط آن چهاره ساعت  
 است وسط چهار ساعت بعد چهارم وسط معهود است طولش چهار ساعت و نصف ربع  
 باشد و وسط شاترده ساعت هر سه آنچه از احادیث ظاهر میشود در عمده معهوده پانزده ساعت  
 بمقد و بعد و نوزده تا بیست چهار و پنج که ششها باشد و شمار روز در کمال بنا است  
 و اما آنچه مشهور است ساعت معهوده پانزده و ربع میرسد شصت که امر تپور کور کانی و در با  
 جهانگیری که در وقت پنج بجا رسد در حوالی البرز کوه چون نماز شام را کرد آفتاب طلوع کرد و  
 فرصت نماز هفت دینان **فصل چهارم** در احکام روز نوروز و فرستادن حاجت و در فضیلت  
 بزرگوار و نیز روز پناه آوردن اما اگر روز یکشنبه باشد صاحب آفتاب باشد حال بزرگان

و در کمال